

پیشینه منصب امیر الحاجان در تاریخ ایران و اسلام
(از صدر اسلام تا پایان دوره قاجار)

www.ketab.ir

دکتر داود کاظمی نسب
(استادیار تاریخ ایران دوره اسلامی)

سرشناسه	کاتلمی نسب، داود، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	پیشینه منصب امیرالمجاهدین در تاریخ ایران و اسلام (از صدر اسلام تا پایان دوره قاجار) / داود کاتلمی نسب
مشخصات نشر	تهران: انتشارات پژوهش های دانشگاه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۲۲ ص: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰-۳-۱۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص ۱۰۱.
موضوع	هج -- تاریخ
موضوع	Hajj -- History
موضوع	هج -- تاریخ -- قرن ۱۳.
موضوع	Hajj -- History -- ۱۳th century
موضوع	حاجیان -- ایران
موضوع	Hajis -- Iran
شناسه افزوده	انتشارات پژوهش های دانشگاه
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ ۲۸۰۷۸۸ / ۲۸۰۷۸۸
رده بندی دیویی	۲۹۷/۲۵۷
شماره کتابشناسی	۴۵۹۷۲۵۴

عنوان کتاب :	پیشینه منصب امیرالمجاهدین در تاریخ ایران و اسلام (از صدر اسلام تا پایان دوره قاجار)
تألیف :	دکتر داود کاتلمی نسب
ناشر :	انتشارات پژوهش های دانشگاه
طراح روی جلد :	نعمه مناف زاده
صفحه آرای :	نعمه مناف زاده
تایپ و تصمیع :	زیبا فرزانه
چاپ و صفافی :	مدیران
تیراژ :	۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ :	اول / ۱۳۹۵
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۸۷۰-۳-۱۶-۷
قیمت :	۲۰۰۰ تومان

انتشارات پژوهش های دانشگاه



مرکز تخصصی چاپ نشر کتب دانشگاهی ویژه اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه ها

آدرس دفتر مرکزی : آذربایجان شرقی ، تبریز ، آبرسان ، مجتمع تجاری بلور ، روبروی کلانتری ، داخل حیاط (ضلع شرقی) ، پلاک ۳۹
 تلفن های تماس بخش مدیریت : ۰۹۱۴۶۱۴۳۳۴۶ / ۰۴۱۳۳۲۶۲۱۱۶
 بخش امور فنی : ۰۹۱۴۵۰۱۹۸۵ / ۰۴۱۳۳۲۵۰۲۴۸
 دفتر اهر : شهرستان اهر - میدان معلم - روبروی دارایی - انتشارات پژوهش های دانشگاه / دفتر اهر
 مرکز بخش : آذربایجان شرقی ، تبریز ، خیابان امام ، روبروی سه راه طالقانی ، انتشارات شایسته
 تلفن : ۰۹۳۰۸۱۴۸۴۸۶
 تلفن : ۰۴۱-۳۵۵۶۱۹۶۱
www.Unpb.org / Info@unpb.org www.Pajoohesh-daneshgah.ir / Info@pajoohesh-daneshgah.ir

طبق قانون حمایت از حقوق ناشران و مولفان هر شخص حقیقی و حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر و مولف ، نشر یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید مورد پیگیری جدی قانونی خواهد گرفت و مطابق با جرایم قوانین اسلامی برخورد خواهد شد .

حمد غیر محدود خالق را سزااست که با لطف بی کران خویش توفیق این داد که بتوانم تلفیقی از علم و تجربه خویش را در این اثر تقدیم شما خوبان نمایم.

از آنجا که بیش از دو دهه افتخار خدمت گزاری به ضیوف الرحمن و زائرین مشاعر مقدسه و اماکن متبرکه را داشته ام همیشه چالش ذهنی ام این بود که بتوانم این تجربیات گرانسنگ را با علم و دانش خویش عجین سازم و به همین جهت بعنوان دانش آموخته رشته تاریخ، پژوهش های خود را به مسئله حج، حج گزاری و امارت حج معطوف نمودم و با استعانت از درگاه خداوند متعال و همچنین ورد شریف پیامبر رحمت (ص) و ائمه هدی تا کنون توفیقاتی در این راه نصیب من گردیده است.

هدف اصلی از نگارش این کتاب، آشنایی و بهره بردن عوامل حج و زیارت و زائرین بیت الله الحرام و حرم نبوی از این اثر بیست و هشتم که بخشی از پیشینه تاریخی امر مقدس حج را تبیین می نماید می باشد امید آن که بتوانم در برابر عباد حق تعالی و اولیای دین ادای دین نموده باشم. در خاتمه بر خود فرض می دانم به مصداق فرموده: «مهریار امیرالمومنین علی (ع)» "من علمنی حرفاً قدسیرنی عبداً" از همه پیشکسوتان عرصه خدمت گزاری در امر حج و اساتید محترم سپاسگزاری نمایم و اجر و پاداش معنوی این کتاب را تقدیم روح پدر بزرگوارم رادر شهیدم می نمایم.

داود کاظمی نسب

فهرست منابع

۱۱	 مقدمه
۱۵	 امیرالحاجی در تاریخ اسلام و ایران
۱۵	 حج و امیرالحاجی در دوره پیامبر(ص)
۲۱	 امیرالحاجی در دوره خلفای راشدین
۲۲	 ابوبکر
۲۲	 عمر بن خطاب
۲۴	 عثمان بن عفان
۲۶	 علی بن ابی طالب(ع)
۲۸	 حج و امارت حج در دوران اموی
۲۸	 معاویه بن ابی سفیان
۳۰	 یزید بن معاویه
۳۲	 عبدالملک بن مروان
۳۴	 ولید بن عبدالملک
۳۴	 هشام بن عبدالملک
۳۶	 امیرالحاجان اموی از سال ۹۵ تا ۱۳۲ هجری
۳۶	 امیرالحاجی در دوره عباسیان
۳۷	 دوره اول : دوران سلطه عباسی
۵۵	 دوره دوم : سلطه آل بویه و شیعیان

۶۳	 دوره سوم : عصر امیرالحاجی ترکان
۷۴	 حج و امارت حج در دوره ایلخانی
۸۱	 حج در دوره تیموری و ترکمانان
۸۴	 حج در دوره صفوی
۸۹	 حج در دوره افشاریه
۹۱	 تلاش‌های افشاریه درباره حج و حرمین شریفین
۹۴	 حج و امارت حج در دوره قاجار
۹۵	 امیرحاج
۹۷	 حمله دار و عوف
۱۰۰	 قنسول
۱۰۳	 فهرست منابع

مقدمه

تاریخ ایران و اسلام همواره در طول ادوار مختلف شاهد دیوانسالاری و تشکیلات اجتماعی بوده است. مناصب مختلف با شرح وظایف متفاوت در حکومتها ایفای نقش می نمودند. از جمله مناصبی که از صدر اسلام تاکنون در همه ی سلسله ها با تفاوت های مذهبی وجود داشته و تغییر شکلی و ماهوی در آن به وجود نیامده است منصب دینی، مذهبی و سیاسی اجتماعی امیرالحاج می باشد. در این کتاب به بررسی منصب امیرالحاجی و جایگاه و اهمیت آن در دوره های مختلف تاریخ ایران می پردازیم و سه بهای متفاوت این عنوان، نحوه گزینش افراد برای این منصب و اهداف پشت پرده این انتخاب را در دوره های مختلف تاریخ ایران و اسلام بررسی می نمایم. از آنجایی که حج به عنوان بزرگترین گردهم آیی مسلمانان سراسر قلمرو اسلامی در دوره های مختلف تاریخ ایران اهمیت ویژه داشته و معتقدان آن سکه می که تولیت برگزاری این مراسم را به عهده داشت به این کنگره عظیم به چشم موقعیتی نگاه می کرد که می توانست از آن به عنوان فرصتی برای نشان دادن دینداری و حمایت خود از شرع مقدس، کسب مشروعیت سیاسی و مذهبی در میان مسلمانان و رساندن پیامهای خود به آحاد مومنان استفاده کند؛ بنابراین انتخاب کسی که به عنوان امیرالحاج مامور برگزاری این مراسم بود اهمیت ویژه می یافت. تاوهی بتواند ماموریت خود را به بهترین شکل ممکن به انجام برساند.

از زمانی که پیامبر(ص)، ابوبکر را به عنوان امیرالحاج حج سال نهم هجری انتخاب فرمود اهمیت این منصب بیش از پیش بر همگان آشکار شد. خلفای راشدین به حسن دلیل و به تاسی از پیامبر(ص) سعی می کردند که خود هر سال در مراسم شرکت جویند و امیرالحاج باشند. این مراسم فرصتی بوده تا مردم علاوه بر دیدن شخص اول مملکت اسلامی، شکایات خود را از حاکمان منصوب خلیفه در مناطق مختلف قلمرو اسلامی به اطلاع خلیفه برسانند و در این دوران، حج علاوه بر انجام مناسک مذهبی فرصتی برای تظلم خواهی بود. در صورتی که خلفا خود نمی توانستند در این مراسم شرکت نمایند اصحاب بزرگ دوران پیامبر(ص) مانند عبدالرحمن ابن

عوف و... را به این امر منصوب می کردند تا از کیفیت برگزاری آن مطمئن باشند. در دوران علی(ع) و در دوره‌ای که معاویه هم ادعا و سودای خلافت داشت با انتخاب دو امیرالحاج از سوی دو طرف اهمیت سیاسی این مقام بیش از پیش آشکار می شد. در واقع امیرالحاج هر طرف که موفق می شد سرپرستی حج را به عهده گیرد در واقع بر مشروعیت خلیفه خود در میان مسلمانان صحنه می گذاشت و بنابراین این مقام بیش از پیش مقامی سیاسی محسوب می شد.

در دوران امویان نیز همین رویه پیگیری شد. بدین معنی که خلیفه وقت سعی می کرد که خود در بعضی از سالها امیرالحاج باشد. ولی در این دوره ما شاهد استفاده های سیاسی دیگر از این عنوان هستیم. یکی اینکه انسان سعی می کردند که امیرالحاج از بستگان نسبی یا وابستگان مورد وثوق آنها باشد تا بر ادغام و رسم و رساندن پیامهای سیاسی و مذهبی خود مطمئن باشند، بعلاوه این افراد را به والی گری مکه یا مدینه منصوب می کردند تا بر تحولات حرمین در طول سال اشراف داشته باشند. دومین استفاده سیاسی دیگر این بود که جانشین خلیفه به این مقام منصوب می شد تا هم در میان مردم نام و آوازه یابد و هم با سرپرستی این مقام علاوه بر اینکه تظاهرات دینی خود را نمایان می ساخت به نوعی توان خود برای رهبری را هم نشان می داد و امیرالحاجی مقامی برای کسب تجربه زعامت و رهبری برای جانشین خلیفه می شد.

در دوره عباسی ما شاهد سه دوره متفاوت هستیم که متاثر از تحولات قلمرو اسلامی و نیز تحولات حرمین شریفین است. در دوره اول که تا زمان تسلط آل بویه بر بغداد در ۳۳۴ ه ق ادامه داشت ما شاهد تداوم رویه سنتی بودیم که قبلا در دوره خلفای راشدین و امویان وجود داشت بدین معنا که خلیفه یا خود شخصا امیرالحاج می شد و یا یکی از خاندان عباسی را به این مقام منصوب می کرد و این افراد هم عموما به حکومت مکه و مدینه منصوب می شدند تا بر تحولات آنجا اشراف داشته باشند. البته در این دوران ما شاهد استثنائاتی درباره مقام امیرالحاج هستیم. یکی اینکه ابومسلم سعی کرد امیرالحاج شود ولی موفق نبود چرا که خلافت نمی خواست این مقام را به غیراعراب و نیز خارج از خاندان عباسی داده شود و دوم انتخاب دو امیرالحاج از نوادگان علی بن ابی طالب (ع)

در دوره مامون که این تغییر بدلیل سیاست متفاوت مامون بود ولی این امر قاعده نشد و پس از مامون به همان روال سابق بازگشت. در دوره دوم این تحول که دوره حاکمیت آل بویه است ما امیرالحاجان علوی را بجای افراد خاندان عباسی می بینیم. این امر به مذهب آل بویه بر می گشت. بعلاوه بدلیل ظهور خلافت فاطمی و دخالتهای این خلافت جدید در حریم سعی می شد افرادی انتخاب شوند که بتوانند قدرت عباسیان را در آنجا حفظ یا اعاده نمایند. دوره دوم با ورود طغرل سلجوقی به بغداد خاتمه می یابد و در این دوران ما شاهد انتقال تدریجی این منصب از علویان به ترکان هستیم. انتخاب ترکان به عنوان امیرالحاج هم در راستای سیاست تسلط قدرت خلافت سنی مذهب عباسیان بر حریم بود لیکن این بار تفاوتی که با دوره آل بویه داشت علاوه بر تفاوت مذهبی آل بویه و امرای علوی با خلافت عباسی امیرالحاجان جدید قدرت نظامی نیز داشتند و در صورت لزوم از این قدرت رای حاکم کردن سلطه عباسیان استفاده می نمودند. در واقع تا جایی که با رایزنی و مذاکره امکان داشت پیش می رفتند و در جایی که این امر جواب نمی داد و شرفای مکه به فاطمیان گرایش داشتند قدرت نظامی برای اعمال سلطه خویش استفاده می کردند. با سقوط خلافت فاطمی در ۵۶۷ ه. ق. تسلط صلاح الدین ایوبی خطر فاطمیان از میان رفت و با سقوط عباسیان هم ممالیک بر حریم حاکم و عهده دار انتخاب امیرالحاج شدند.

در دوره بعد از عباسیان ما شاهد گسترش حکومتهای گوناگون، نقاط مختلف قلمرو اسلامی از جمله ایران هستیم. این حکومتها امیرالحاج انتخاب نمی کردند. این روانهای خود را به حج می فرستادند. انتخاب امیرالحاج به عهده ممالیک مصر بود.

در دوره ایلخانی راههای حج دوباره امن می شود و کاروانهای حج دوباره راه می افتند هر چند که خیلی از سالها بدلائل سیاسی و امنیتی حج تعطیل می شد ولی در دوره غازان و ابوسعید ما گزارشهایی از ارسال کاروان به صورت هر ساله به حج داریم. در دوره تیموری هم خیلی از سالها بدلیل ناامنی حج تعطیل بود و با وقفه های چند ساله کاروان حج به راه می افتاد. متأسفانه جز در مواردی نادر نام روسای کاروان ایرانی به دست نمی آید. در دوره صفوی بدلائل گوناگون حج

منظم برگزار نمی شد و در بسیاری از سالها عملاً تعطیل بود. تفاوت مذهبی با عثمانی، نبود امنیت راهها و خطر حمله اعراب بادیه نشین، گرفتن مالیات اضافی مربوط به حج از ایرانیان، جلوگیری از خروج ارز از ایران، وقوع جنگها و بعضاً دستور سلاطین عثمانی مبنی بر ممنوعیت حج عجم ها در بعضی سالها عملاً این مناسک را برای ایرانیان از رونق انداخته بود و گاه شرایط راهها یا بعضاً دولت عثمانی و گاه خود دولت صفوی از اعزام کاروان حج جلوگیری می کردند.

در دوره افشاریان هم شاهد پیگیری نادر در خصوص سفر حج و جایگاه امیرالحاجان ایرانی هم شان با امیرالحاجان مصر و شام هستیم.

در دوره قاجار هم امیرالحاج رسمی تعیین شده از سوی دولت ایران وجود داشت ولی به صورت عرفی و نانوشته یک رابانان این عنوان را به عهده داشت. و در ایام حج یکی از سادات مدینه از سوی دولت عثمانی برای - حاج ایرانی به این مقام منصوب می شد که البته حکومت قاجار اجازه بازخواست و تنبیه او را داشت. امیرالحاج در مدینه ساکن بود. در این دوره ما شاهد تفکیک وظائف بودیم و با عناوینی چون حمله دار یعنی کسی که کاروان را در مسیر سرپرستی می کند، مطوف کسی که حجاج ایرانی را برای مراسمهای حج در مکه و انجام طواف رهبری می کند و قنصل که این یکی را دولت ایران تعیین میکرد برای حمایت از حجاج و زوار ایرانی در مکه و مدینه و البته دفتر اصلی قنصل در جده بود ولی در موسم حج وقتاً به مکه و مدینه منتقل می شد، مواجه بودیم. این تحول نشان می دهد که در طول زمان مردم برای انجام مناسک مذهبی خود توانسته اند سازمانی مستقل از حاکمیت ایجاد کنند تا بتوانند به شعار دینی خود عمل کنند و این تکلیف دینی را به جای آورند.